



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برخی از آقایان سؤالاتی دارند که جوابهایش را در بحثهای آینده بیان خواهیم کرد؛ اول اینکه اگر فقهاء متعددی وجود داشته باشند در مسئله ولایت فقیه به کدام یک از آنها باید رجوع شود؟ دوم اینکه بعد از اثبات ولایت شرعی برای فقیه آیا بر او واجب است که برای تشکیل حکومت اسلامی قیام کند یا نه؟ که در اینجا سه قول وجود دارد؛ اول اینکه واجب است، دوم اینکه جائز است و سوم اینکه حرام است.

بجثمان در روایاتی بود که برای ولایت فقیه به آنها استدلال شده که چندتا از آنها را خواندیم و مورد بررسی قرار دادیم، خبری وجود دارد که در کلام امام و مرحوم نراقی رضوان الله علیهما ذکر شده اما شیخ انصاری در مکاسب آن را ذکر نکرده و آن خبر علی بن حمزه بطائنی عن موسی بن جعفر علیهما السلام است که صاحب وسائل آن را در ابواب دفن ذکر کرده و عنوان باب: «باب استحباب البكاء لموت المؤمن» می باشد، صاحب وسائل در این باب سه خبر ذکر کرده که خبر اول باب این خبر است: ﴿محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن سهل بن زیاد، وعن علي بن إبراهيم. عن أبيه جميعاً، عن ابن محبوب، عن علي بن رئاب قال: سمعت أبا الحسن الأول (امام کاظم) علیه السلام يقول: إذا مات المؤمن بكت عليه الملائكة ويقاع الأرض التي كان يعبد الله عليها، وأبواب السماء التي كان يصعد أعماله فيها، وثلم ثلثة في الاسلام لا يسدها شيء، لان المؤمنين حصون الاسلام كحصون (كحصن) سور المدينة لها ورواه

الحميري في (قرب الإسناد) عن أحمد بن محمد، ومحمد بن الحسين جميعاً، عن الحسن بن محبوب مثله^۱.

سند حدیث: کلینی با دو نصفه سند از دو استادش این خبر را نقل کرده و سپس درین بهم پیوند خورده اند، نصفه سند اول؛ کلینی عن عدة من أصحابنا که این عده چند نفر هستند که در بین آنها افراد خیلی موجهی وجود دارند و در آخر جلد ۲ جامع الروات اسامی آنها ذکر شده است، عن سهل بن زیاد، نصفه سند دوم؛ کلینی عن علی بن ابراهیم عن أبيه، جميعاً عن حسن بن محبوب عن علی بن رئاب، حدیث سنداً صحیح است.

خداوند متعال هر فردی را از نظر فکر و اندیشه و فرهنگ و قدرت یک طور خاصی آفریده است و هر کسی نیز به اندازه ی فکر خودش در راه پیشرفت اسلام گام بر می دارد لذا اگر بمیرد هیچکس نمی تواند جای او را پر کند هر چند که خدمات دیگری داشته باشد، اما همان طور که می بینید در این خبر لفظ مومن بکار رفته ولی در خبر دوم گفته شده: ﴿وعن محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن علي بن أبي حمزة قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول، وذكر مثله إلى أن قال: إن المؤمنين الفقهاء﴾^۲، لذا امام رضوان الله علیه می فرماید خبر دوم صحیح است یعنی وقتی مؤمن فقیه از دنیا برود در اسلام ثلمه بوجود می آید زیرا فقیه حصن اسلام است، اسلام ابعاد مختلفی دارد و یک مجموعه ای است که در آن عبادت و سیاست و اقتصاد و حکومت و قضاوت و جهاد و... وجود دارد که فقیه به عنوان یک حصن آنها را حفظ و نگهداری و عملی می کند فلذا کار فقهاء فقط تألیف و درس و بحث نیست بلکه آنها حافظ و مجری اسلام هستند یعنی اسلام با تمام ابعادش در صحنه ی زندگی مردم وجود دارد و فقهاء

^۱ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۹۲۴، ابواب دفن، باب ۸۸، حدیث ۱، ط الاسلامیه.

^۲ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۹۲۴، ابواب دفن، باب ۸۸، حدیث ۲، ط الاسلامیه.

حافظ و مجری و تأمین کننده ی آنها می باشند بنابراین خبر بر ولایت فقیه دلالت دارد.

آدرس: کتاب البیع، الامام الخمينی، جلد ۲ صفحه ۶۳۱.

نکته: علی بن ابی حمزه بطائنی عصاکش أبو بصیر یحیی بن قاسم أسدی بوده که نابینا بوده و از روات بزرگ و مورد وثوق می باشد اما در مورد خود علی بن حمزه بحث وجود دارد زیرا وقتی که امام کاظم علیه السلام در زندان شهید شدند عده ای از نمایندگان ایشان بودند که طی سالیانی پولهای زیادی نزدشان جمع شده بود برای اینکه پولها را بخورند مذهب واقفیه را درست کردند و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نکردند، نقل شده نزد علی بن ابی حمزه ۳۰ هزار دینار بوده که امامت امام رضا علیه السلام را قبول نکرد تا اینکه پولها را برای خودش بردارد لذا واقفیه می باشد اما امام رضوان الله علیه سعی کرده تا وثاقت او را ثابت کند لذا فرموده شیخ طوسی در غده گفته که طائفه به اخبار علی بن ابی حمزه بطائنی عمل کرده اند و بعلاوه خیلی از رجال و علماء بزرگ از او نقل کرده اند لذا حدیث از نظر سند مشکلی ندارد و اما از نظر متن نیز دلالت دارد بر اینکه مؤمن فقیه حصن اسلام است یعنی از همه ی جهات حافظ و نگه دار اسلام است، حضرت امیر علیه السلام نیز در نهج البلاغه در نامه ای که به مالک اشتر نوشتند می فرمایند: ﴿الْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ خُصُومُ الرِّعِيَّةِ وَ زَيْنُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقُومُ الرِّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ﴾^۳، حصن به چیزی گفته می شود که یک شیء را با تمام ابعاد و به تمام معنی حفظ و تأمین کند که ولایت فقیه همین حصن می باشد.

نکته: گاهی در کتابی خبری نقل شده و یک کلمه ای در آن وجود دارد که همان کلمه در کتاب دیگر وجود

ندارد، در مانحن فیه نیز در بعضی از کتاب ها و روایت ها کلمه "الفقهاء" ذکر شده اما در بعضی دیگر این کلمه ذکر نشده، حالا که ما شک داریم در اینکه آیا چنین کلمه ای از امام معصوم صادر شده یا نه باید به اصل رجوع کنیم و ببینیم آیا اصل عدم الزیادة مقدم است یا عدم النقصان؟ که اصل عدم الزیادة مقدم است زیرا اگر انسان چیزی را زیاد کند برخلاف اصل است اما اگر کم کند ممکن است از قلم بیافتد، لذا حق با آن کتابی است که کلمه ی "الفقهاء" را دارد و آن کتابی که این کلمه را ندارد درواقع از قلم نویسنده افتاده است. بقیه ی بحث بماند برای روز شنبه إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

^۳ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۹۴.